

بورديو و قدرت نمادين

احمد نقيب زاده *

استاد گروه علوم سياسي دانشکده حقوق و علوم سياسي دانشگاه تهران

مجيد استوار

استاديار گروه علوم سياسي دانشگاه آزاد اسلامي واحد رشت

(تاريخ دريافت: ۱۹/۳/۲ - تاريخ تصويب: ۱۹/۹/۱۴)

چکيده:

براي فهم مسائيل سياسي و اجتماعي نيازمند تئوريهاي جامعه شناسانه هستيم. پير بورديو جامعه شناس فرانسه با طرح نظريه پراتيک و مفهوم قدرت نمادين، آن را بهترين منبع براي درک ميدانهاي سياسي و اجتماعي دانست. اين مقاله با بررسي زبان و قدرت نمادين تلاش مي کند عملکرد اين قدرت را در ميدانهاي سياسي و اجتماعي نشان دهد.

واژگان کلیدی:

بورديو، قدرت نمادين، خشونت نمادين، زبان، سرمايه، ميدان

مقدمه

توجه به ابعاد نامریی و نمادین زندگی سیاسی و اجتماعی از اواخر قرن نوزدهم میلادی مورد توجه جامعه شناسان قرار گرفت و در قالب جامعه شناسی فردگرا و ساختارگرا مباحثی نوین آفرید. یکی از مهم ترین دغدغه های جامعه شناسان متاخر رابطه میان عینیت (Objectivity) و ذهنیت (Subjectivity) بود که تحت عنوان ساختار و کارگزار مفهوم بندی شده است. در واقع مساله ساختار - کارگزار به تبیین پدیده های اجتماعی از منظر تاثیر بسترهای موجود یا نقش کنشگر می پردازد. در میان این دغدغه های جامعه شناسانه، بوردیو با فراتر رفتن از دو گانه انگاریهای عین و ذهن، تلاش می کند از فاصله میان عین و ذهن بکاهد و نقش فرد درون این ساختارها را با توجه به عناصری چون سرمایه ها، خصلت و میدان مورد بررسی قرار دهد. او در صدد است پنهان ترین سلطه ها را در جامعه به تصویر بکشد و در همه روابط اجتماعی کاربرد قدرت و سلطه را می بیند. رابطه مدیر و کارمند، استاد و شاگرد، مرد و زن و غیره مثال هایی از سلطه افراد در روابط اجتماعی است. بوردیو، قدرت را در روابط بین طبقات متکی بر خصلت ها به وضوح می پذیرد و با این پرسش که چرا این تمایزات و تفاوت ها بین طبقات بالا و پایین به رسمیت شناخته شده است، برداشتی جدید از قدرت مطرح می کند.

هرچند مارکسیست ها در پشت همه پدیده ها قدرت را می بینند و بوردیو نیز از این امر مستثنی نیست؛ اما مفهوم قدرت از نظر وی در قالبی جدید در دنیای نمادین تعریف می شود. از نگاه او عالی ترین قدرت که باعث استمرار تسلط و مشروعیت آن در جامعه می شود؛ قدرت نمادین می نامد. وی بر اساس تقابل های سلطه آمیز درون جامعه به مفهوم قدرت نمادین می رسد. قدرتی که خشونت نمادین را در خود نهفته دارد و به صورتی غیرفیزیکی ایجاد سلطه می کند و فرد سلطه پذیر خود را ملزم به پذیرش تعهداتی در مقابل فرد ایجاد کننده سلطه می بیند.

بحث نظری

دوری از تقابل های عینیت گرایانه و ذهنیت گرایانه یکی از دغدغه های جامعه شناسان طی چند دهه اخیر بوده است. پیر بوردیو^۱ نیز با علاقه نسبت به فراتر رفتن از ضدیت میان

^۱ بوردیو (۲۰۰۲-۱۹۳۰ م) در منطقه بی آرن از بخش باسه - پیرنه در جنوب شرقی فرانسه متولد شد. پدر وی پستیچی بود و زندگی در محیط روستایی در شکل گیری هویتش نقش مهمی داشت.

فرد و جامعه ضمن انتقاد از هر دو رویکرد معتقد است عینیت گراها/ساختارگراها عاملیت و عوامل انسانی را در نظر نمی گیرند و ذهنیت گرایان نیز تنها با تاکید بر نقش کنشگر به وجود ساختارها در انجام کنش بی اعتنا هستند. بنابراین، وی تلاش‌هایی را به منظور ترکیب عینیت و ذهنیت انجام می دهد تا تعادلی میان ساختارهای عینی جامعه و عاملان اجتماعی ایجاد کند. بوردیو به سبب علاقه اش به رابطه دیالکتیک میان ساختار و شیوه ساخت واقعیت‌های اجتماعی از سوی کنشگران، جهت گیری نظری خود را پراکسیولوژی می نامد. روش بوردیو بر پایه شناخت پراکسیولوژیک، نظامی از روابط دیالکتیک میان ساختارهای ابژکتیویسم و داده های ساخت یافته را در بر می گیرد که بطور مرتب در حال بازتولید است. نظامی متکی بر دیالکتیک درونی کردن بیرونی ها و بیرونی کردن درونی ها (Bourdieu, 1990: 72). به طور کلی شناخت پراکسیولوژیک، مبادله و رابطه ای دیالکتیک میان عینیت و ذهنیت است. او بر اساس روش شناسی خود در پی درک ایجاد تاریخی ساختارهای اجتماعی از طریق فهم شرایط عینی و موقعیت کنشگران است و با فراتر رفتن از عینی گرایی و ذهنی گرایی، راه سومی میان ابژکتیویسم/ساختارگرایی و سوبژکتیویسم/اصالت وجود می جوید و در این میان اهمیت نقش افراد در ساختارها یکی از دغدغه های اصلی نظریه اوست (ریترز، ۱۳۸۶: ۷۱۶ و جنکینز، ۱۳۸۵: ۸۹-۴۴).

بوردیو به منظور بررسی نقش فرد درون ساختارها با طرح نظریه پراتیک، نظریه ای عمومی در تحلیل پدیده های اجتماعی بنیانگذاری کرد و آن را در عرصه های مختلف اجتماعی از جمله ورزش، مُد، نظام آموزشی و فلسفه به آزمون گذاشت و معتقد است امر اجتماعی بیشترین نقش را در شکل گیری و تداوم روابط میان آنها دارد. وی با طرح خصلت ها یا عادت واره در نظریه پراتیک، در چارچوب روش شناسی خود تلاش کرد میان عینیت/ابژکتیویته و ذهنیت/سوبژکتیویته به منظور نزدیکی امر اجتماعی به مثابه یک واقعیت جاری آشتی برقرار نماید (فکوهی، ۱۳۸۸: www.anthropology.ir).

از این رو، بررسی ابعاد نمادین زندگی سیاسی و اجتماعی در نظریه پراتیک یکی از آخرین تلاش های وی در فراتر رفتن از عینیت گرایی و ذهنیت گرایی در جامعه شناسی است. او بدین طریق تلاش می کند از مارکسیسم فاصله گرفته و در نظریه خود با در نظر گرفتن سود اقتصادی برای کالاهای غیر اقتصادی، نقش سرمایه ها در زندگی اجتماعی، اشکال نمادین و قدرت نمادین در تمامی فعالیت های اجتماعی و سیاسی، دیدگاهی جدید در جامعه شناسی ارائه دهد (swartz, 1997: 65-66).

بوردیو مانند مارکس، سرمایه را نه شیء یا منبع بلکه مجموعه ای از روابط می داند که آن روابط تحت تاثیر نابرابری اجتماعی، بهره کشی و سلطه قرار دارد. وی برخلاف

مارکس، سرمایه را موضوعی می بیند که نه تنها با منافع مادی سر و کار دارد؛ بلکه با همان شدت با منافع نمادین، شناختی (Cognitive) و اجتماعی مرتبط است (www.anthropology.ir).

در نتیجه بورديو ديگر به مانند مارکسيست‌ها براي تحليل ساختارهاي اجتماعي به شيوه توليد جامعه توجهي نمي کند؛ بلکه نظر خود را به شيوه مصرف جامعه معطوف مي سازد. شيوه مصرف، نحوه حرف زدن، ژست هاي بدني، ورزش و نوع لباس و شرکت در مهماني ها و آيين ها نوعي نبرد افراد و گروه ها در ميدان اجتماعي، سياسي، هنري و يا ادبي است که از تمایزي اساسي ميان طبقات مختلف اجتماعي حکايت مي کند. در اين ميدان‌ها هر گروهی که از سرمایه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین افزون تر برخوردار باشد؛ شانس برتر و تسلط بیشتر در اختيار خواهد داشت. بنابراین، جهان اجتماعي از نگاه بورديو به ميدان هايي رقابتي تقسيم مي شود که هر کنشگر در هر ميدان براي در اختيار گرفتن جايگاه بهتر مبارزه مي کند. به همين دليل، سرمایه براي وي نشانگر قدرت است. در واقع دغدغه بورديو اين است که چگونه و تحت کدام شرايط افراد و گروه ها از راهبردهاي انباشت سرمایه، سرمایه گذاري و تبديل انواع مختلف سرمایه بهره مي برند تا موقعيت هاي خود را در سلسله مراتب اجتماعي در ميدانهاي مختلف بهبود بخشند (Ibid: 73-75).

از اين نظر، جامعه‌شناسي بورديو بيش از هر چيز به دنبال سازوکارهاي بازتوليد سلسله مراتب اجتماعي است و تاکيد دارد که ظرفيت عاملان اجتماعي در عمل، توليدات ذهني‌شان را مشخص کرده و نظام‌هاي نمادين نيز در بازتوليد ساختارهاي اجتماعي سلطه نقشي مهم دارند. بدین لحاظ مفهوم قدرت نمادين در مشروعيت بخشي به سلطه عاملان و ساختارها نقشي حياتي بازی می کند. وی با بهره گیری از داده های قوم نگارانه نشان می دهد که قدرت موضوعی سیال بوده و با توجه به ساختارهای هر جامعه انعطاف پذیر است و می تواند در هر جامعه ای کاربردی منحصر بفرد داشته باشد. بنابراین با شناخت اشکال سرمایه و ویژگی های میدان سیاسی می توان دیدگاه نظری او را مورد ارزیابی قرار داد. بدین منظور واکاوی نظریه پراتیک، ما را در شناسایی نقش عاملان، ساختارها و عالی ترین نوع قدرت در روابط اجتماعي یاری می رساند که در ادامه تبیین می شود.

نظریه پراتیک

بورديو در نظریه خود با ارایه طرح نظریه کنش (۱۹۶۸م) برای سوژه، قدرت عملی و راهبردی قایل می شود و معتقد است کنش‌ها و واکنش‌های بازیگران در عرصه ای به نام میدان شکل می گیرد و بازیگر براساس سرمایه خود (فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و نمادین) و

خصلت و عادات نهادينه شده مي تواند به انجام عمل و طرح راهبردي اقدام کند. نظريه پراتيک وي به صورت زير الگو بندي مي شود (تقيب زاده، ۱۳۸۵: ۳۶۶).

$$\text{Pratique} = (\text{Habitus} \times \text{Capital}) + \text{Champ}$$

در ادامه به تبیین عناصر تشکیل دهنده این نظریه می پردازیم.

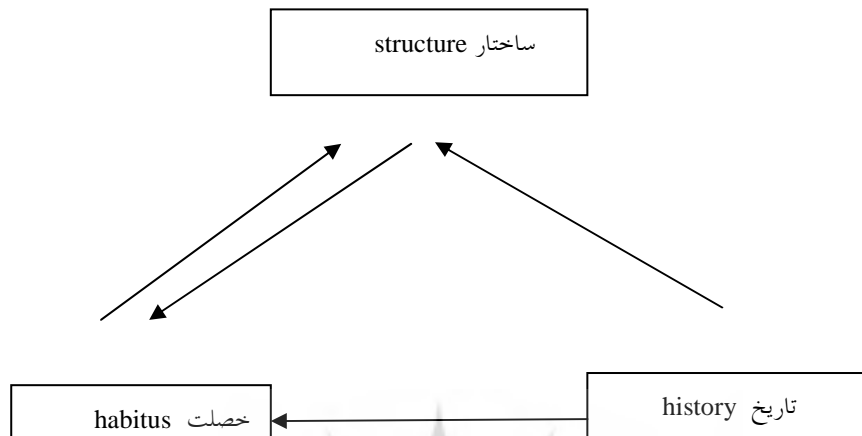
۱- خصلت (Habitus)

خصلت، منش یا عادت واره از نظر بورديو جنبه طبقاتي دارد. وي برای تشخیص تمایزات یک طبقه در جامعه بجای نگاه به شیوه تولید به شیوه مصرف متمرکز می شود و جالب آنکه پشت تمامی کنش های افراد در ساختارهایی نظیر مُد، رفتن به موزه، نظام آموزشی، سینما، تلویزیون، سخنرانی، لباس پوشیدن و غیره ساز و کار عملکرد قدرت را می بیند. با کمی انصاف تنها می توان گفت که او مارکسیسم ارتدوکس نیست و به صورتی منحصر به فرد به آموزه های مارکسیسم وفادار است. وي در نظریه پراتيک خود از واژه اسکولاستیک خصلت استفاده می کند که برآمده از تعبیر ارسطویی واژه خلق و خو (Hexis) است. این واژه جنبه طبقاتي دارد و عبارت است از چیزهایی که در انسان به تدریج ساخت می پذیرند و سپس به مرور زمان در شناخت و رفتارها تاثیر گذار می شوند. شناخت، ادراک و تمامی رفتار عملی انسان، تحت تاثیر خصلت هاست. حرف زدن، ژست ها، شرکت در مهمانی ها، نشستن و سخن گفتن نمونه هایی از اعمال برآمده از خصلت آدمی است.

بنابراین خصلت ها؛ ملکات، کیفیات و در واقع فرهنگ فردی و گروهی هر بازیگر است و از هر نظر جنبه طبقاتي دارد. یعنی آنچه که به مرور زمان در فرد جمع می شود و در قالب خلق و خوی خود را نشان می دهد و این ساخت پذیرفته، ساخت بخش بسیاری از رفتارها، کردارها و انگاره هاست (همان).

از منظر بورديو خصلت ها عموماً در ناخودآگاه وجود دارند و شرایط اجتماعی تولید رفتارهای فرد را پنهان می کنند. روی هم رفته خصلت، تجارب شخصی افراد در زندگی است که از زمان کودکی تا مرگ را در بر می گیرد و در ارتباط با تجارب عامل انسانی (Agent) و محیط و ساختار (Structure) سازمان می یابد، تولید کننده عمل فردی و جمعی اند، ساخته تاریخ و ساختار هاست و در نتیجه ساختار توسط تاریخ و خصلت تولید می شود.

رابطه ساختار، خصلت و تاریخ



۲- سرمایه اقتصادی (Economy Capital)

سرمایه اقتصادی به مجموعه ای از دارایی های افراد از قبیل نقدینگی، مالکیت، اموال غیرمنقول و غیره اطلاق می شود که کنشگر با تکیه بر آن به کنشهای آگاهانه اقدام می کند. بورديو این سرمایه را متعلق به طبقات بالای جامعه می داند که نشان دهنده تمایز طبقاتی آنان از طبقات پایین است. استفاده از اوقات فراغت مناسب، رفتن به موزه، شیوه مصرف، مورد توجه بودن در مدارس و مراکز آموزشی، پرستیژ اجتماعی، احترام و نوع سخن گفتن و غیره همه برآمده از امکانات مالی طبقه ای است که طبقات پایین تر از آن بی بهره هستند.

۳- سرمایه اجتماعی (Social Capital)

به مجموعه ای از ارتباطات اجتماعی افراد با متنفذان جامعه، دوستی ها و رابطه ها اطلاق می شود که افراد بدان وسیله موقعیت خود را مستحکم می سازند. بورديو ایجاد ارتباط با افراد مشهور را سبب تثبیت جایگاه کنشگر، چه به صورت مادی یا نمادین می داند. وی معتقد است که بورژواها این ارتباطات را در میان خود ایجاد می کنند و با کسب امتیازات مختلف از قبل آن جایگاه خود را مستحکم می سازند؛ در صورتیکه کارگران از این ارتباطات موثر محروم هستند.

۴- سرمایه فرهنگی (Cultural Capital)

مجموعه ای از ثروت های موجود در افراد که از طریق آموزش، کسب مدارک تحصیلی و تولیدات فرهنگی حاصل می شود. این سرمایه با کار مداوم و تلاش مستمر شکل می گیرد و افراد صاحب این سرمایه را از جایگاهی مناسب در جامعه برخوردار می کند.

۵- سرمایه نمادين (Symbolic Power)

برای بورديو سرمایه نمادين نمايانگر راهی برای سخن گفتن در خصوص مشروع سازی روابط قدرت از طریق اشکال نمادين است که گروه های سلطه گر از این طریق اعتبار و اقتدار خود را تثبیت می سازند. بنابراین سرمایه نمادين منبع اصلی قدرت است زیرا افراد صاحب سرمایه نمادين مشروعیت استفاده از آن را در مقابل کسانی که کمتر آنها در اختیار دارند، از آن خود کرده اند (Bourdieu, Wikipedia: 9).

با این سرمایه می توان سلسله مراتب و سلطه را در جامعه طبیعی و مسلم انگاشت. تمامی سرمایه ها در این سرمایه تجميع شده و سلطه و مشروعیت افراد و گروه ها را در جامعه فراهم می کند. در واقع این سرمایه با باور و اعتبار و اعتماد دیگران وجود عینی می یابد و دوام و استمرار آن نیز با باور دیگران در ارتباط است.

۶- میدان^۱ (Field)

مجموعه سرمایه ها و خصالت های کنشگران در میدان یا عرصه ای صورت می گیرد. این میدان می تواند هنری، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی نمادين باشد. بورديو در کتاب زبان و قدرت نمادين در خصوص ویژگی های میدان می گوید:

«میدان نظام ساخت یافته موقعیت هایی است که بوسیله افراد یا نهادها اشغال می شود. یک میدان از درون خود براساس روابط قدرت ساخت می یابد. دست یابی به کالاها/سرمایه ها در این میدان ها محل نزاع عاملان است. این کالاها به چهار مقوله تفکیک می شود؛ سرمایه اقتصادی، سرمایه اجتماعی (انواع گوناگون روابط عالی با دیگران)، سرمایه فرهنگی و سرمایه نمادين مثل پرستیژ و افتخار اجتماعی» (Bourdieu, 2005: 229-230).

هر میدان مجموعه ای تاریخی است که در طول زمان با فراز و فرودهایی روبروست. اگر خصالت ها به لحاظ درونی الهام بخش عمل و رویه هاست؛ میدان به لحاظ بیرونی کنش و بازنمود را سازمان می دهد. کسانی که در میدانی به جایگاه و موقعیت سلطه و سروری می

^۱ به زبان فرانسه Champ گفته می شود و در زبان فارسی به عرصه نیز ترجمه شده است.

رسند در پی به اجرا در آوردن راهبرد بقا و حفظ وضع موجود (نظام موجود توزیع سرمایه) هستند و در مقابل، ناراضیان و تحت سلطه ها که در بدست آوردن جایگاه ها و موقعیتها ناکام مانده اند؛ به دنبال راهبردهای براندازی و تغییر وضع موجود هستند. این فکر دقیقا بر اساس روش شناسی بوردیو است که در تبیین رابطه ای دیالکتیک میان عادات و میدان به دنبال ارزیابی عملکرد کنشگر درون ساختارها است (استونز، ۱۳۸۳: ۳۳۶-۳۳۷).

در نتیجه کسانی در میدان های مختلف از جمله میدان سیاسی پیروز می شوند که از کالاهای نمادین قدرتمند برای عرضه به مصرف کنندگان برخوردار باشند. ثمره این پیروزی آن است که شخص پیروز حق تحمیل کالاهای نمادین خود را بر میدان اجتماعی کسب می کند، یعنی می تواند علیه مصرف کنندگان حاضر در میدان اجتماعی، خشونت نمادین به کار برد و این مستلزم همدستی کسانی است که در معرض این خشونت قرار می گیرند (لش، ۱۳۸۴: ۳۴۸-۳۴۷).

بوردیو با مهم دانستن نقش کنشگران در میدان، تلاش می کند در ادامه روش شناسی خود، میان ذهنیت و میدان نزدیک برقرار سازد و از دویت های ذهنیت و عینیت بکاهد. به همین سبب کنشگر به هر میزانی که از سرمایه های بیشتر برخوردار باشد کیفیت کنش و میزان مشروعیت او متفاوت خواهد بود.

زبان و قدرت نمادین (S and Symbolic Power)

فعالیت عاملان اجتماعی درون میدان های سیاسی یا اجتماعی با تکیه بر سرمایه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین نیازمند اعمال قدرت است. این اعمال قدرت برای آنکه از مشروعیت لازم برخوردار باشد؛ نیازمند زیباسازی است. زیباسازی به عاملان اجتماعی کمک می کند که قدرت خود را مشروع سازند. در واقع قدرت نمادین عامل اصلی مشروعیت و زیباسازی قدرت درون میدان هاست. این قدرت از برآیند ساختارهای عینی و خصصت های ذهنی ساخته شده است و از خلال رابطه باور به مشروعیت و بکارگیری آن به تحقق درمی آید. بر اساس روش شناسی بوردیو، وی تلاشی نظری برای فهم عملکرد عاملان اجتماعی درون میدان های سیاسی ارائه می کند و با طرح قدرت نمادین در صدد است نشان دهد که چگونه ساختارهای عینی، کنش سلطه گرانه را مشروع جلوه داده و درون اذهان و باورهای انسانها نهادینه می سازند. بوردیو با شیفتگی خاص فرانسوی خویش به دنبال این مساله بود که چطور قدرت و سلطه در قالب نمادین باز تولید می شود و طبقات مسلط نمادهایشان را با مهارت تحت نفوذ خود دارند و عناصری چون ارزش، دانایی و سلیقه خود را در جامعه، طبیعی و

جهانی نشان می دهند. بنابراین از آنجا که دولت‌ها با انحصار خشونت نمادین (Symbolic Violence)، شهروندان را به طور طبیعی به اطاعت و می دارند تا استمرار خود را مشروع جلوه دهند، وی به موضوع تسلط سیاستمداران در میدان‌های سیاسی توجه کرده و در نظریه خویش بر نقش نمادها در مشروع شدن قدرت توسط سلطه گران تاکید می کند (Berg & Janoski, 2005, 92-93).

از نظر او قدرت نمادها در کاربست عملی آن نهفته است و روشنفکران و هیات‌های تولید کننده نماد به طور مرتب در حال بازسازی و برساختن نمادهایی برای استمرار سلطه مشروع هستند. این سلطه مشروع بوسیله نظام‌های نمادین صورت عملی می یابد؛ نظام‌های نمادین به عنوان ابزارهای دانش و سلطه با تاکید بر اجماع و وفاق درون جامعه به بازتولید نظم اجتماعی یاری می رسانند و کارکرد اصلی آنها تلاش برای مشروع سازی سلطه از طریق تحمیل باورهای خود بر جامعه است. زبان یکی از این ابزارهای مشروع سازی سلطه در جامعه است که در ادامه به آن می پردازیم.

۱- زبان

بوردیو تحت تاثیر ساختارگرایی فرانسوی و مدل زبان شناسی آن و با الهام از مدل زبانی سوسور، در فرآیند امر نمادین و نظام‌های نمادین، برای زبان نقشی بی بدیل و آغاز کننده قایل است و از آن به عنوان سرمایه نمادین و عامل سلطه در میدان‌های فرهنگی و سیاسی یاد می کند. وی در کتاب «زبان و قدرت نمادین» در ادامه کارهای کسانی همچون «ویتگنشتاین» زبان را یکی از ابزارهای سلطه و اساساً امری نمادین می داند. از نگاه وی زبان درون ارتباطات معنی می یابد و واجد قدرت و وسیله ای است که انسانها یکدیگر را کنترل می کنند. بدین لحاظ نقش زبان در شکل گیری قدرت نمادین نیز اهمیت حیاتی دارد. زبان، نمادی است که بوسیله اطاعت کنندگان به رسمیت شناخته می شود و عامل اقتدار افراد و گروه‌ها است. بوردیو در اینجا تحت تاثیر آستین (Austin) است که جستجوی زبان را برای فهم منافع قدرت مد نظر دارد. در نتیجه قدرت در مرکز زبان وجود دارد (Snook, 1990: 172-177) و درک زبان تنها در تجربه مشروع در درون جامعه امکان پذیر است. در عادت‌های خوردن و نوشیدن، مقاصد فرهنگی، درک هنر، ورزش، لباس و مُد، مبلمان، سیاست و غیره (Bourdieu & waquant, 1992, 149). بنابراین زبان به عنوان یک تکنیک بدنی در تجربه افراد با جهان اجتماعی نهفته است و هر انسانی براساس تجربه خود جهان بیرون را درک می کند و از طریق زبان و تجربه شخصی به بیان رابطه خود با جهان بیرون می پردازد. اساس اندیشه بوردیو نیز بر این مبناست که وجود انسان به قالب بدن ریخته شده است و از طریق آگاهی، ادراک، احساس و شهود به

ضبط و فهم محیط پیرامون می پردازد. از آنجا که حاصل کار درک این جهان نوعی آگاهی و معرفت است؛ براساس سنت پدیدار شناسانه و عمل باورانه وی، وجه مشخصه موجود انسانی، همین رابطه دیالکتیک بین زبان و مقرر و معین بودن تجربه است (پارکر، ۱۳۸۶: ۷۱). بر این اساس اقتدار زبانی از تجربه بیرونی حاصل می شود و این تجارب بیرونی که در طول زمان بدست آمده برای صاحب این زبان ایجاد اقتدار می کند. این تجارب بیرونی از نگاه بوردیو، سرمایه هایی است که افراد در زندگی اجتماعی بدست می آورند.

به همین سبب اقتدار زبانی طبقه مسلط، مرتبط با سرمایه هایست که از پیش در انسان نهاده شده است. سرمایه های زبانی از بیرون بوسیله کسب مدارک تحصیلی یا موقعیت های اجتماعی و مذهبی بدست می آید که به حاملان آن در میدان های منازعه قدرت تاثیر گذاری می بخشد. بازار زبانی نیز سبک و محتوای زبان گفتاری را مشخص ساخته و به مثابه یک کالا در بازار مورد داد و ستد قرار می گیرد و تحت تاثیر منطق بازار است. بنابراین:

«مبادله زبانی به عنوان مبادله ای اقتصادی براساس توازن ارتباطات سمبولیک قدرت بین تولید کننده با یک سرمایه زبان شناختی و یک مصرف کننده (یا یک بازار) برقرار می شود و در این پروسه تحصیل سود نمادین یا مادی خاصی مورد نظر است» (Bourdieu, 2005: 66). از نگاه بوردیو زبان هر کشور در ارتباط تنگاتنگ با قدرت در آن جامعه قرار دارد و مکمل زندگی اجتماعی است. همچنین مذهب و سیاست نیز عملکردی موفق در تداوم ماندگاری حضور زبان مشروع در جامعه از خود بجا گذاشته اند. زبان مذهبی و تاثیرات ایدئولوژیک آن به حقیقتی اشاره می کند که همه گروه ها و افراد به راحتی با آن ارتباط برقرار می کنند. زیرا مذهب با زبان همه گروه ها سخن می گوید (Ibid: 39).

به طور کلی دارندگان زبان نافذ شانس زیادی برای اعمال سلطه دارند. امروزه در دنیای سیاسی و اجتماعی، سیاستمداران و صاحبان نفوذ و سلطه با بکارگیری زبان احترام برانگیز و قدرتمند، شکوه و عظمت ملی را برای ملت خویش به ارمغان می آورند و نتیجه آن چیزی جز وحدت ملی نیست. در قرن بیستم ما با شخصیت هایی چون امام خمینی، ژیسکار دستن و دوگل روبرو بودیم که از زبان نافذ و مسلط برای اعمال نفوذ بر جامعه استفاده می کردند. در نتیجه نقش زبان در کاربست قدرت اهمیت می یابد و در دنیای سیاست، زبان سبب مشروعیت افرادی می شود که از قدرت نمادین برای ایجاد سلطه استفاده می کنند. به طور کلی زبان به عنوان بخشی از قدرت نمادین نقشی مهم در میدان های مبارزه سیاسی داشته و روابط گفتاری را مشروع یا نامشروع می سازد.

۲- قدرت نمادين

الگوی بورديو در خصوص قدرت نمادين تحت تأثير مطالعات وی درباره جوامع قبیله ای الجزایر و پژوهشهای مارسل موس جامعه شناس فرانسوی صورت بندی شد. بورديو با الهام از بحث های وی به رابطه احترام و حفظ موقعیت برتر میان اعضای قبیله کابیلا در الجزایر به فرآیند مبادله هدایا پی برد و در نظریه پراتیک خویش کارکرد های نمادين اعمال انسان را مورد توجه قرار داد و در رابطه با جوامع مدرن نیز همین رابطه را به اشکال مختلف در همه عرصه ها تعمیم داد و نتیجه گرفت که «تنها ارتباط مشروع همیشه ارتباط قدرت نمادين است» (Bourdieu & waquant, 1992:142).

بورديو در کتاب **زبان و قدرت نمادين** سوابق تاریخی قدرت نمادين را برگرفته از «سنت نئوکانتی (هامبولت- کاسیرر یا نوع آمریکایی سایپر- ورف در قسمت زبان) می داند که دنیاهاى مختلف نمادين مثل افسانه، هنر، زبان و علم به عنوان ابزارهای شناخت و ساخت جهان ابژه ها چیزی مانند اشکال نمادين است. آنطور که مارکس در تزهایی درباره فویر باخ یا جنبه فعال شناخت می گوید. در همین زاویه اما با یک ملاحظه بیشتر تاریخی، پانوفسکی (Panofsky) این چشم انداز را مانند شکلی تاریخی مورد بحث قرار می دهد؛ بدون آنکه به شرایط اجتماعی تولید آن بپردازد. دورکیم نیز به طور ضمنی در سنت کانتی قرار می گیرد و با فرار از آلترناتیو پیشینی و تجربی می خواهد؛ پاسخی پوزیتیویستی و تجربی به مساله شناخت بدهد. وی مبانی یک جامعه شناس اشکال نمادين را پایه ریزی کرد» (Bourdieu, 2005: 164).

از منظر کارکردگرایی / فونکسیونالیست هایی مثل دورکیم و پس از او رادکلیف براون (Radcliffe Brown)، نظام های نمادين بوجود آورنده همبستگی اجتماعی؛ یعنی نمادهای ابزار عالی ادغام اجتماعی هستند. یعنی به عنوان ابزارهای شناخت و ارتباطات، زمینه اتفاق آراء را در جهان اجتماعی فراهم کرده و باعث بازتولید نظم اجتماعی می شوند. درحالیکه از نظر بورديو توليدات نمادين ابزارهای سلطه هستند.^۱ در واقع توليدات نمادين به عنوان ابزار سلطه با سنت کلاسیک مارکسیسم متفاوت است. تفاوت آن به نحوه تولید نمادها و کسانی مربوط می شود که آن را تولید می کنند. در نظر بورديو، نظام نمادين به عنوان ابزار ساخت پذیر و ساخت بخش؛ ابزار مشروعیت بخش سلطه یک طبقه محسوب شده و وظیفه رام کردن تحت سلطه ها را بر عهده دارد.

در اینجا دیدگاه وی طبقاتی است زیرا هر طبقه سعی می کند دنیای اجتماعی را مطابق منافع خودش به دیگران تحمیل کند. در سنت مارکسیسم کلاسیک کسانی که متخصص تولید

^۱ به نظر می رسد در اینجا بورديو نیز دیدی کارکرد گرا دارد و توليدات نمادين را ابزار سلطه معرفی می کند. گرامشی و آلتوسر نیز از دو زاویه متفاوت همین نگاه را نسبت به همزونی و ایدئولوژی داشتند.

نمادها هستند؛ آزادی عمل ندارند. بر اساس نظریهٔ بوردیو، سلطهٔ گران در دنیای اجتماعی همیشه نگران سرمایه اختصاصی خود درون میدان هستند و حفظ موقعیت برتر در بالاترین سلسله مراتب اجتماعی از مهم ترین دغدغه های آنهاست (Ibid: 164-168).

بنابراین مبارزه و رقابت درون میدانها با وجود سرمایه ها و ویژگی های خصلتی افراد و گروه ها قابل تبیین است و میزان بهره مندی از سرمایه ها به شکل گیری شبکه نمادهای طبقات مسلط و تحت سلطه می انجامد. به همین سبب هر گروهی که از شبکه نمادهای قدرتمندی برخوردار باشد از توان ایجاد سلطه برخوردار است. بنابراین اگر نمادهای ساخته شده بوسیله روشنفکران و هیات های تولید کنندهٔ نماد در اختیار افراد و گروه های حاشیه ای در میدان قدرت قرار گیرد؛ خطر سقوط و فروپاشی، نمادهای حاکم را تهدید می کند.

به طور کلی قدرت نمادها از نظر بوردیو درون نظام نمادین نیست؛ بلکه در باور به مشروعیت این نمادها و کسانی که آن را بیان می کنند، تجلی می یابد و در رابطه با ساختار اجتماعی شکل می گیرد. در نتیجه کاربست نمادها در یک نظام نمادین حایز اهمیت است. نظامی که با تولید باورها و ایمان باعث سلطهٔ مستمر و مشروع گروه ها و افراد بر جامعه می شود و این سلطهٔ نمادین با مشروعیت پذیرفته شده، دیگر نیازی به جنبهٔ فیزیکی خشونت ندارد و تسلط خویش را در عرصه های مختلف به صورت نمادین تثبیت می سازد. ویژگی خاص نظام های نمادین به پژوهشگر کمک می کند که به دور از دیدگاه طبقاتی بوردیو به توصیف وقایع سیاسی درون این نظام ها بپردازد. از منظر وی بسیاری از کنشهای افراد درون میدان ها در ناخودآگاه عاملان وجود دارد و ساخت پذیر شده است و می تواند ساخت بخش هم شود.

بنابراین، نظام های نمادین سه وظیفه مرتبط به هم ولی متمایز را برعهده دارند: شناخت، ارتباط و تمایز اجتماعی. نخست با توجه به سنت زبانی و نئوکانتی، نظام های نمادین به شکل ساختارهای ساختاریبخش (Structuring Structures) و به عنوان وسیله ای برای درک دنیای اجتماعی دیده می شود. در این معنا، الگوهای گوناگون دانش، اسطوره، هنر، مذهب و علم نمایانگر راههای مختلف برای فهم و درک دنیا است و ابزاری شناختی را به اجرا می گذارند. دوم، اینکه نظام های نمادین نیز ساختارهایی ساختار بخش هستند که منطق درونی آنان بوسیله تحلیل ساختاری سوسور در خصوص زبان و کلود لوی اشتراوس (Claude Levi Strauss) درباره اسطوره توسعه یافته هستند و باید درک شوند.

این نظام ها به مانند نظام های ادراکی وظیفه انسجام اجتماعی و ارتباطی را به اجرا می گذارند و به عنوان ابزارهای استیلا مورد استفاده قرار می گیرند. بنابراین، نظام های نمادین مشروعیت لازم را برای تسلط گروه های سلطه در جامعه فراهم می سازند تا جامعه به سادگی

به انقیاد آنان درآید. از نظر بوردیو تضادهای موجود در جامعه بدون آنکه مورد مخالفت قرار بگیرد از نظر مردم مشروع و طبیعی می باشد و وظیفه این مشروعیت سازی بر عهده قدرتی است که به شکل خشونت نمادین خود را تحکیم می کند. بنابراین این خشونت:

«خشونتی است که تحمیل کننده اطاعت هایی است که نه تنها به مانند اطاعت درک نمی شود؛ بلکه با اتکا بر انتظارات جمعی یا باورهای اجتماعی شده درک می شود. نظریه خشونت نمادین شبیه نظریه جادو بر یک نظریه باور و یا بر یک نظریه تولید باورها استوار است» (Bourdieu, 1998:103).

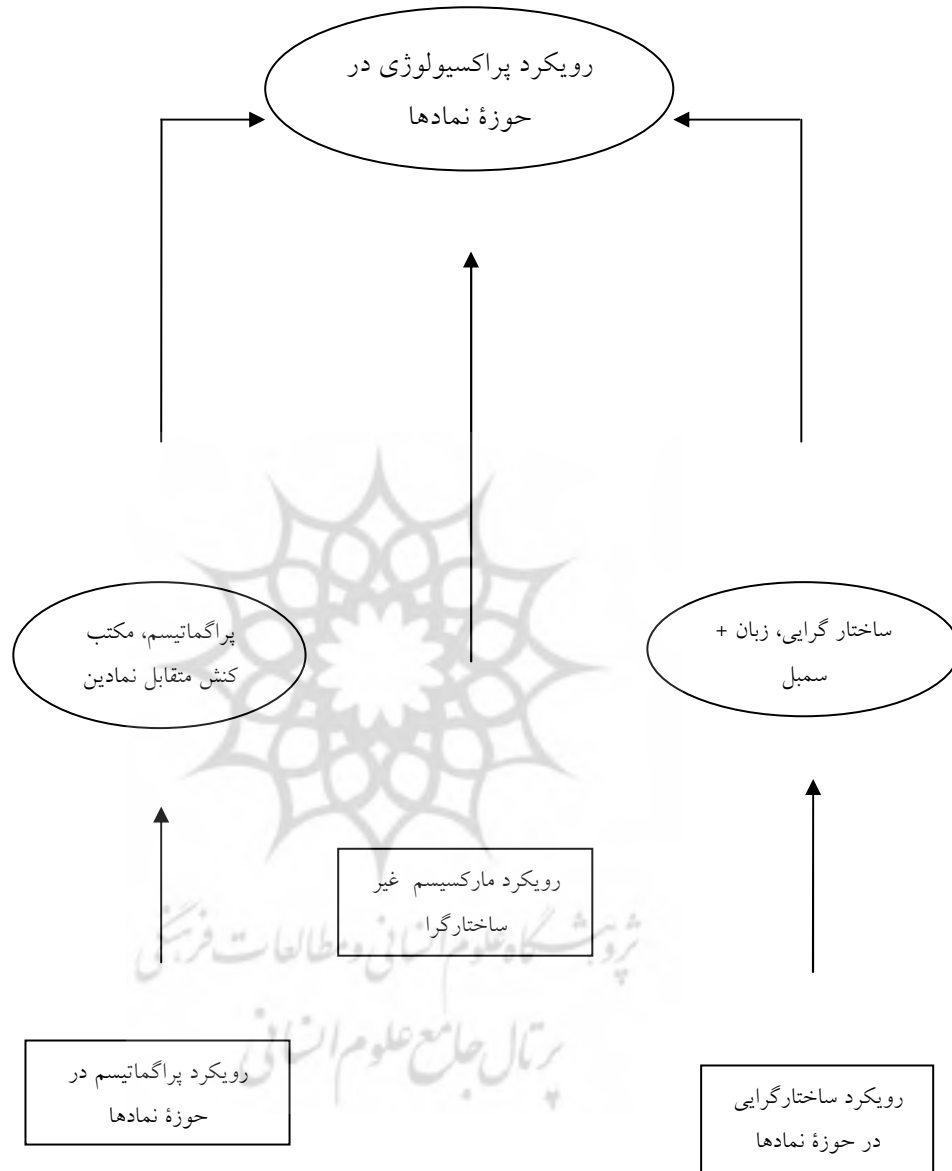
براساس کارکرد این خشونت در همه جوامع، نظم و منع اجتماعی بوسیله ساز و کارهای غیر مستقیم فرهنگی و نه با کنترل اجتماعی مستقیم و فیزیکی تولید می شود. خشونت نمادین به معنی تحمیل نظام های نمادها و معناها (فرهنگ) به گروه ها و طبقات است تا این نظام در جامعه، مشروع به نظر آیند. همه نظام های موجود تلاش می کنند که بدون نیاز به خشونت فیزیکی، مشروعیت نمادین خود را در جامعه مستحکم سازند و این مساله از زمان کودکی در آموزش و پرورش فرا نهادینه می شود (جنکینز، ۱۳۸۵: ۱۶۳-۱۶۲).

بنابراین در بسیاری از ساختارهای میدان که عقیده در آن تولید و بازتولید می شود؛ خالقان قدرت و کلمات؛ مالک قدرتی نامرئی هستند که می توانند نظم اجتماعی را ابقا یا براندازند و سبب مشروعیت آنها شوند. این قدرت به عنوان قدرتی وابسته و تغییر شکل دهنده؛ به سختی قابل شناسایی و درک است و در نتیجه، تغییر شکل دهنده مشروعیت اشکال دیگر قدرت نیز می باشد. (Bourdieu & waquant, 1992:169-170).

«جایی که قدرت در همه جا است ولی آدمی نمی خواهد به چشم هایش زحمت دهد و ببیند که به گونه ای دیگر نیز می توان قدرت را دید. یک حلقه ای که مرکز آن همه جا هست و هیچ جا نیست باید بدانیم چطور آنرا کشف کنیم. حداقل جایی که می توان آنرا دید، آنجایی که بیشتر از هر جای دیگر نادیده گرفته شده و آن قدرت نمادین است. این قدرت نامرئی است که فقط با همدستی کسانی که آنرا تحمل می کنند و نمی خواهند بدانند و کسانی که آنرا اعمال می کنند و نمی خواهند بدانند، اعمال می شود» (Bourdieu, 2005: 163-164).

شکل زیر جهت گرای کلی اندیشه بوردیو را در خصوص رویکرد نظریه اش نشان می دهد:

رویکرد نظری پیر بردیو



نتیجه

به نظر ما بردیو با ارایه نظریه قدرت نمادین و پراتیک بهترین منبع برای درک پویایی میدان های اجتماعی و سیاسی می باشد. او به واقع به خوبی توانسته رابطه میان زبان، قدرت و

سياست را نشان دهد. وی هم چنین با نقد روش‌های کلاسیک زبان شناسی در آرای سوسور و آستین و دیگران نشان داد که زبان نه تنها وسیله‌ای برای ارتباط است بلکه به عنوان ابزار سلطه و قدرت سبب تسلط سیاسی می‌شود. از این رو بازیگران سیاسی و اجتماعی با تملک سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و نمادین و بکارگیری زبان مشروع صاحب قدرت نمادین در میدان‌های سیاسی و اجتماعی می‌شوند و عالی‌ترین مشروعیت را از آن خود می‌کنند.

به طور کلی قدرت نمادین قدرتی است که درون میدان‌های هنری، ادبی، ورزشی و سیاسی وجود دارد و در روابط انسان‌ها نهفته است و در زبان، چهره و سلايق تجلی می‌یابد. افراد تحت تاثیر این قدرت حاضر هستند خود را فدا کنند و در واقع به تسخیر اعمال کنندگان آن در می‌آیند. قدرتی که به تعبیر بورديو در همه جاست و عموم آدمیان قادر به دیدن آن نیستند.

منابع و مأخذ:

الف: فارسی:

۱. استونز، راب. ۱۳۸۳. *متفکران بزرگ جامعه شناسی*، ترجمه مهرداد میردامادی، چاپ سوم، تهران: مرکز.
۲. پارکر. جان. ۱۳۸۶. *ساخت یابی*، ترجمه حسین قاضیان، چاپ اول، تهران: نی.
۳. جنکینز، ریچارد. ۱۳۸۵. *پی بر بورديو*، ترجمه لیلا جوافشانی و حسین چاوشیان، چاپ اول، تهران: نی.
۴. ریتزر، جورج. ۱۳۸۶. *نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ دوازدهم، تهران: علمی.
۵. فکوهی، ناصر. ۱۳۸۸. www.anthropology.ir
۶. لش، اسکات. ۱۳۸۴. *جامعه شناسی پست مدرنیسم*، ترجمه حسن چاوشیان، چاپ دوم، تهران: مرکز.
۷. نقیب زاده، احمد. ۱۳۸۵. «چه عوامل در توسعه علوم سیاسی و روابط بین الملل موثر افتاده»، *سیاست*، شماره ۷۱، (بهار).

ب. خارجی:

1. Berg, Axel van den & Thoms Janoski. 2005. Conflict Theories in Political Sociology. in *The hand book of political sociology*, Edited by Robert Alford. Alexander Hicks and Mildred A. Schwartz, London: Cambridge University press.
2. Bourdieu, Pirre. <http://en.wikipedia.org>
3. ————. 1990. *Outline of a Theory Of Practice*, editor Richard Nice, University Press, Cambridge.
4. ————. 1998. *practical reason*, London: polity press
5. ————. 2005. *language and symbolic Power*, translated by gino Raymond and matthew Adamson, London: polity press.
6. Bourdiue, pierre & walquant, loicj. d. 1992. *An invitation to reflexive sociology*, the university of Chicago press.
7. Snook Ivan. 1990. "Language, Truth and Power: Bourdieu's Ministerium", in *An Introduction to the Work of Pierre Bourdieu . (The Practice of Theory)*, Edited by Richard Harker , Cheleen Mahar, Chris Wilkes, m, New York: martine's press.
8. Swarts, David. 1997. *culture and power (the sociology of pierre bourdieu)*, The university of Chicago press.

از این نویسنده تاکنون مقالات زیر در همین مجله منتشر شده است:

"موانع بین المللی رشد همگرایی در اروپای باختری"، سال ۶۹، شماره ۲۵ - "یک کتاب و یک بینش"، سال ۷۰، شماره ۲۶؛ "تحولات نظام حزبی در انگلستان"، سال ۷۱، شماره ۲۸؛ "نظریه دیپلماتیک - استراتژیک در روابط بین الملل"، سال ۷۲، شماره ۳۰؛ "بازاندیشی امپریالیسم در روابط بین الملل"، سال ۷۴، شماره ۳۴؛ "بررسی تأثیر بین الملل"، سال ۷۲، شماره ۳۰؛ "بررسی تأثیر تحولات اقتصادی، اجتماعی بر زندگی حزبی در جوامع پیشرفته صنعتی"، سال ۷۸، شماره ۴۳؛ "شیعه و منازعات سیاسی خاورمیانه"، سال ۷۹، شماره ۴۷؛ "سیاست های اشتغال دولت فرانسه در دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰: منطق و جهت های اساسی"، سال ۸۲، شماره ۵۹؛ "بازخوانی نظم برخاسته از معاهدات و ستفالی"، سال ۸۳، شماره ۶۵؛ "چه عواملی در توسعه علوم سیاسی و روابط بین الملل موثر افتاد"، سال ۸۵، شماره ۷۱؛ "نوسازی سیاسی و شکل گیری احزاب در جمهوری اسلامی ایران (براساس رویکرد هانتینگتون)"، سال ۸۸، شماره ۴؛ "علل توسعه اقتصادی در آسیای جنوب شرقی"، سال ۹۰، شماره ۱؛ "بررسی تطبیقی تشکل های دانشجویی در فرانسه و ایران"، سال ۹۰، شماره ۴.

